

نکات مربوط به اپیزود هفتم فصل شش

سریال بازی تاج و تخت

تهیه شده در تیم پادکست سایت وستروس

www.westeros.ir



* عنوان این قسمت **The Broken Man** اشاره به بازگشت دوباره سندور کلیگان **Sandor Clegane** دارد. او در فصل گذشته با شکست در برابر برین از تارت در حال نیمه جان رها شد بنابراین می‌توان به او لقب شکسته را داد.

در کتاب اصطلاح «مردان شکسته» اشاره به سربازان وظیفه دارن که در حین جنگ وظیفه خود را ترک کرده‌اند و تبدیل به راهزن شده است. در کتاب یک شخصیت به نام سپتون مریبالد نیز یک سخنرانی طولانی و زیبا در خصوص مردان شکسته دارد .

* جورج آر.آر مارتین گفته است که دو سخنرانی در کتاب وجود دارد که موضوع و دیدگاه اصلی مجموعه کتاب‌هایش را نشان می‌دهند. یکی سخنرانی واریس درباره دنیا و ماهیت قدرت است (که در فصل دوم نشان داده شد) و دیگری صحبت‌های سپتون مریبالد در خصوص ترس‌ها و رنج‌هایی است که جنگ با خود به بار می‌آورد. سپتون مریبالد در واقع یک روحانی مذهب هفت است که در جزایر برادر بزرگتر زندگی می‌کند و گفته می‌شود سندور را پیدا کرده و از او پرستاری نموده و در واقع او را زنده نگه داشته است. هر چند در مجموعه تلویزیونی اسم این شخصیت مذهبی به «ری» تغییر کرده است.

* مرد شکسته می‌تواند اشاره ای به تیان گریجوی و جان اسنو نیز باشد.

* این برای دومین بار است که در فصل ششم هیچ داستانی از تیرویون لیستر در خط داستانی سریال وجود ندارد. همچنین با توجه به عدم حضور تیرویون در قسمت قبلی این اولین بار در کل مجموعه تلویزیونی است که تیرویون برای دو قسمت غایب بوده است .

* ولانتیس برای دومین بار در مجموعه تلویزیونی ظاهر می‌شود، این شهر برای اولین بار در طول فصل پنجم معرفی شود. براووس نیز در این قسمت حضور برجسته ای داشت، که باعث می‌شود این دومین قسمتی باشد که دو شهر آزاد در یک قسمت حضور دارند.

* جزیره خرس برای اولین بار به تصویر کشیده شد. جزیره خرس در واقع متعلق به خاندان مورمونت است و در فصل اول جورا مورمونت جزیره خرس برای معرفی کرده بود.

* قسمتهای داخلی دیپ وود موت **Deepwood Motte** نیز به نمایش گذاشته شد و به تسخیر این قلعه توسط آهن زادگان نیز اشاره شد.

* برادران بدون پرچم برای دومین بار از فصل سوم دوباره دیده شدند.

* این چهارمین قسمت از مجموعه سریال می‌باشد که قبل از آغاز تیتراژ سریال شاهد بخشی از داستان هستیم. در گذشته در قسمت‌های زمستان در راه است، والار دوهاریس، و دو شمشیر ما نیز شاهد بخشی از داستان قبل از شروع تیتراژ سریال بودیم. تهیه کننده اجرا و نویسنده بریان کاگمن توضیح داده که برای حفظ تاثیر زنده ماندن سندور کلگان و همچنین معرفی بازیگر به نامی چون روی مک کین دست به این کار زده اند.

بخش اول : بازگشت یک سگ شکاری



* سندور کلگین از زمانی که آریا او را در کنار جاده رها کرد دیگر در کتاب دیده نشده است. حضور سندور در این قسمت از سریال اسپویل بزرگی برای خط داستانی کتاب محسوب می شود. البته در کتاب به طور غیرمستقیم اشاره می شود که او زنده است. در کتاب برین و پادریک به صومعه ای در یک جزیره می رسند که آوارگان جنگ در آن جا پناه گرفته اند. صومعه توسط یکی از برادران ارشد اداره می شود که به آن ها می گوید که «تازی» مرده است. اما آن ها اسب بزرگی را می بینند که بسیار شبیه اسب سندور است و قبرکن درشت اندامی را مشاهده می کنند که ممکن است سندور باشد. هرچند که نمی توانند دقیق تشخیص دهند که او چه کسی است زیرا وی شنلی روی سر دارد. نکته ی سوم این است که شخص قبرکن خم می شود تا به یک سگ غذا دهد. برادر ارشد این گونه سخن می گوید : «تازی» مرده است. خشونت و عصبانیت وی از بین رفته و «سندور» صلح را در کمک به آوارگان یافته است.



ری یا سبتون مریبالد ؟ مهم نیست دو مردی که یک گذشته دارند

* در داستان برین و پادریک به سپتونی به نام مریبالد بر می خورند. کسی که در جوانی سرباز بوده و بعد به گروهی از راهزنان پیوسته و کارهایی کرده که از آن ها پشیمان است. او در حال حاضر با کمک به افراد فقیر و درمانده سعی در پاک کردن گذشته خود دارد. در سریال برادر ارشد و سپتون مریبالد تبدیل به یک شخصیت شده اند، همین طور که در کتاب نیز مشابه هستند. هر چند که در برنامه ی Inside The Episode گفته می شود که نام این شخصیت در سریال «ری» می باشد (Ray) نه «مریبالد». در واقع سازندگان برای این شخصیت جدید نام جدیدی نیز ساخته اند.



حمایت‌های که تمامی ندارد و سخنرانی که نابود شد

* به گفته خود مارتین سخنرانی سپتون مریبالد درباره ی «مردان شکست خورده» یکی از نقاط مهم و برجسته ی کتاب است. در سریال این سخنرانی به صورت خط به خط با کتاب همخوانی نداشته و دچار تغییر شده است. در کتاب در مورد تنزل یک انسان به راهزنی و زندگی مانند حیواناتی که به آوارگان جنگی حمله می کنند گفته می شود. در سریال به تصویر کشیدن این سخنرانی بسیار مشکل بوده است ولی در کتاب این یکی از مهم ترین و خاص ترین نقاط داستان است. نکته ی جالب این جاست که هواداران تعداد زیادی فایل های صوتی از این سخنرانی ساخته اند.

نسخه ی سریال این سخنرانی دچار تغییرات زیادی شده است. در سریال سپتون توضیح می دهد که او یک سرباز بوده اما به جای کسب افتخار و شهرت فقط از دستورات مافوقش اطاعت می کرده و فقط به سوزاندن دهکده ها و کشتن افراد بی دفاع می پرداخته است. حالا می خواهد با کمک به دیگران زمان باقی مانده از عمر خود را بگذراند. این بخش در واقع نشان دهنده ی اعتراضی است که مارتین به جنگ ویتنام و دیگر نویسندگان فانتزی دارد که از مقوله ی جنگ با افتخار یاد می کنند. مارتین معتقد است در اکثر مواقع در زندگی واقعی جنگ ها بی نتیجه و وحشتناک هستند.

* در کتاب، جنگی که مریبالد در آن شرکت داشته جنگ «پادشاهان ناین پنی» یا همان قیام پنجم بلکفایر بوده است و در آن جنگ بریندن تالی یک فرمانده بوده است. در سریال به جنگی که مریبالد در آن شرکت کرده بوده اشاره ای نمی شود.



سندور کجاست؟

* در سریال به این که صحنه های مربوط به سندور کلگین در این قسمت در چه مکانی اتفاق می افتد اشاره ای نمی شود. اما با توجه به حضور افراد برادری بدون پرچم و اینکه در کتاب داستان سپتون مریبالد در سرزمین های رودخانه اتفاق می افتد، می توان نتیجه گرفت که در سریال نیز این اتفاقات در سرزمین های رودخانه واقع می شود. زمانی که آریا سندور را رها می کند آن ها به تازگی «دره» را ترک کرده اند و در مرز جنوبی دره با سرزمین های رودخانه قرار دارند. و از همان جا است که آریا با اسب به بندری در میدن پول (Maidenpool) می رود. همچنین برادر ری در سریال می گوید که سندور را با گاری با خود آورده است.



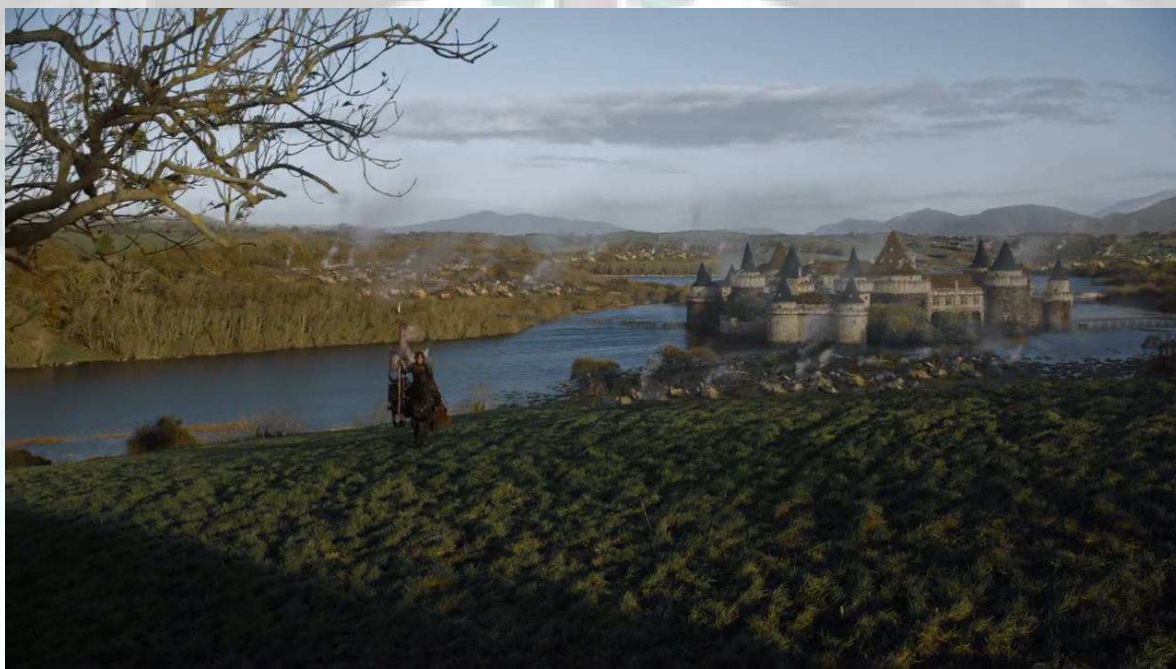
برادرانی که هرگز مردم بیگانه را نمی‌کشن !!

* در کتاب و همین‌طور در فصول قبلی سریال برادری بدون پرچم از مردم در برابر دزد ها و غارتگرانی که مردم را به دلیل فراهم نکردن آذوقه می‌کشتند دفاع می‌کردند. آن‌ها البته خود نیز از مردم آذوقه می‌گرفتند اما این کار را مؤدبانه انجام می‌دادند و به آن‌ها نوشته‌ای با مضمون «من به تو بدهکارم» یا همان IOU می‌دادند مانند همان نوشته‌ای که در فصل سوم به سندور دادند. هرچند که خود مردم می‌دانستند عملاً این نوشته‌ها بی‌ارزش است. اعمال این گروه در سریال دچار تغییر فراوانی شده است. در کتاب کارهایی مثل کشتن مخالفان و مردم بی‌گناه بیشتر توسط سربازان لنیستر انجام می‌شود اما در سریال این کارها به گروه برادری بدون پرچم نسبت داده شده است.

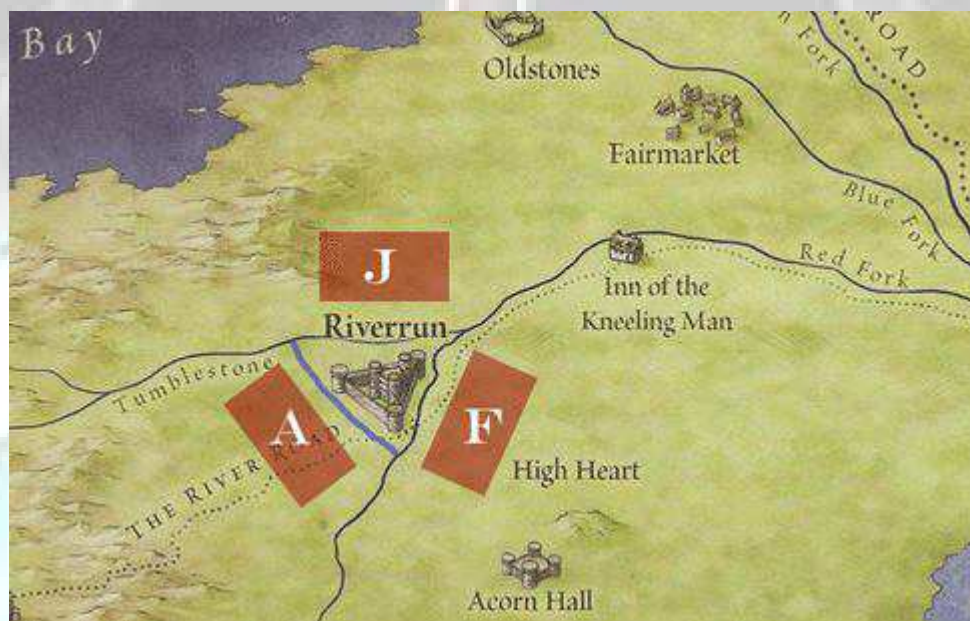
* با قدرت گرفتن لنیستر ها و فری‌ها در سرزمین‌های رودخانه در پایان کتاب سوم و بعد از عروسی خونین، اعمال گروه برادری بدون پرچم تغییر می‌کند و هدف دار تر انجام می‌شود. مثلاً کشتن هر عضوی از خاندان فری که دیده می‌شود. ممکن است این تغییر در تاکتیک در کتاب‌های بعدی توضیح داده شود.

* هر چند که در دیالوگ‌های این قسمت چیزی گفته نشد، اما در راهنمای مخاطب شبکه ی HBO گفته شده است که فرمانده گروه کوچکی که در این قسمت دیده شد که شنل زرد به تن داشت در واقعا همان «لم ردا لیمویی» است که از شخصیت‌های کتاب نیز هست. (Lem Lemoncloak)

بخش دوم: محاصره ریور ران



این اولین قسمتی بود که پریندن تالی ملقب به بلک فیش بعد از عروسی سرخ دوباره در سریال ظاهر شد



وضعیت محاصره ریوران توسط جیمی و فری‌ها

* محاصره‌ی ریوران یکی از موضوعات مربوط به کتاب چهارم است که به فصل ششم منتقل شده همان طور که شورای انتخاب شاه در جزایر آهن به این فصل منتقل شد. در فصل پنجم به دلیل پرداختن به شخصیت‌های اصلی (جان اسنو، تیریون، دنریس و ماجرای‌های بارانداز شاه) زمانی برای این موضوعات باقی نمانده بود. در کتاب بریدن تالی هرگز ریوران را بازپس نمی‌گیرد زیرا او اصلاً در عروسی خونین حاضر نبوده است. راب استارک او و نیروهای خاندان تالی را در ریوران گذاشت تا از جبهه‌ی جنوبی محافظت کند. بعد از خبر قتل عام در عروسی خونین، بریدن افرادش را فرا خواند تا به داخل قلعه بیایند و بعد مشغول جمع‌آوری آذوقه شدند تا بتوانند در مقابل محاصره‌های طولانی ایستادگی کنند. محاصره ریوران از اواسط کتاب چهارم تا اواسط کتاب پنجم و در پس‌زمینه‌ی داستان ادامه دارد تا این که سر جیمی به کمک فری‌ها می‌رسد.

* جیمی لیستر هیچ وقت مانند آن چه در فصل پنجم نشان داده شد به دورن نمی‌رود. خط داستانی دورن به نسبت کتاب بسیار دچار تغییر شده است و شباهت کمی با کتاب دارد. به جای آن جیمی به سرزمین‌های رودخانه می‌رود تا با تالی‌ها که متحدان راب استارک بوده‌اند مقابله کند. جیمی نه در زمان دستگیری سرسی توسط نیروهای مسلح مذهب و نه محاکمه سرسی با هفت در بارانداز شاه حضور ندارد. زمانی که جیمی نامه‌ی سرسی را دریافت کرد که از او درخواست کمک می‌کرد، نامه را با انزجار سوزاند و به یاد آورد که تصمیمات سرسی علیه خاندان تایرل، قدرت لیسترها را تهدید کرده و پادشاهی تامن را به خطر انداخته است.



قلعه زیبایی سرزمین‌های رودخانه که برای اولین بار نشان داده شد

✳ در این قسمت برای اولین بار دورنمای قلعه ی ریورران و مکان آن نمایش داده می شود. در فصل سوم تنها نما های داخلی و چند باغ درون قلعه به نمایش درآمد. دورنمای قلعه در فصل سوم فقط به صورت عکسی در پس زمینه و در زمان مراسم تدفین لرد هاستر تالی نشان داده شد. محل قرارگیری قلعه با توجه به کتاب بسیار دقیق به تصویر کشیده شده است. قلعه در مکانی قرار دارد که رود ردفورک (Red Fork) به شاخه ی بزرگتر خودش رود تامبلستون (Tumblestone) ملحق شده و قلعه در وجه سوم این مثلث و روی صخره ای قرار دارد که به خشکی متصل است و در دوطرف دیگر رود عبور می کند. در زمان جنگ دریچه های کانال های آب قلعه باز می شود و با پر شدن آب خشکی که قلعه را به زمین اصلی متصل می کند، عملاً قلعه به جزیره ای تبدیل می شود که محاصره کردن آن بسیار مشکل بوده و دشمن باید نیروهایش را به سه بخش تقسیم کند.



چه کسانی در طی محاصره ریورران حضور داشتند ؟

* به جز مسئله‌ی جا به جایی زمان و حضور شخصی مانند بران و مسائل جزئی دیگر، محاصره‌ی ریورران بسیار شبیه به کتاب به تصویر کشیده شده است. در کتاب البته افراد بیشتری از خاندان فری در این محاصره شرکت کرده اند که در سریال به لوتار لنگ و والدِر ریورز سیاه خلاصه شده است. فری ها نیز چون انتظار رسیدن کمک به قلعه را ندارند به جای توجه به محاصره بیشتر به تفریح و مهمانی در چادرهایشان مشغول هستند.

* در کتاب، عضوی از خاندان فری که ارتش فری ها را در محاصره ریورران فرماندهی و اقدام به اعدام ادمیور تالی برای تهدید بلک فیش می کند، رایمن فری پسر ارشد استورون فری (Stevron) است که قبل تر در جنگ مرده و حالا رایمن جانشین لرد والدِر فری می باشد. رایمن همان شخصی است که در عروسی خونین خواهر بزرگتر لیانا مورمونت یعنی دیسی مورمونت را به قتل می رساند. هرچند که هم رایمن فری و هم دیسی مورمونت از سریال حذف شده اند.

* در کتاب فری ها هر روز ادمیور تالی را از چوبه‌ی دار آویزان می کنند تا بریندن تالی را مجبور به تسلیم کنند اما هر بار با بی توجهی بلک فیش رو به رو می شوند. آن ها به قدری این کار را انجام داده اند که بلک فیش می داند این تهدید فری ها توخالی است. در سریال به این موضوع اشاره نمی شود و ممکن است اقدام فری ها اولین و تنها اقدام آن ها بوده باشد.



محاصره که میتواند سال ها طول بکشد

* بریندن تالی اشاره می کند که اعتماد به قسم فری ها برای آسیب نرساندن به کسانی که تسلیم می شوند کار مضحکی است. زیرا این فری ها بودند که قانون مهمان نوازی را شکسته و برادرزاده‌ی بریندن (کتلین تالی) و پسرش را که مهمان آنها بودند، کشتند.

بریندن به دو دلیل از تسلیم شدن خودداری می کند. یکی این که می داند تهدید فری ها برای اعدام ادمیور تالی توخالی است و دوم این که گمان می کند اگر هم تسلیم شود دلیلی وجود ندارد که فری ها قسم خود را حفظ کنند و ادمیور و بریندن را نکشند.

* بریندن اشاره می کند که ریورران برای دو سال آذوقه ی کافی دارد. در کتاب بریندن بلافاصله بعد از عروسی خونین مشغول به آذوقه جمع کردن شد و بعد بلافاصله محاصره آغاز شد. اما در سریال گویا محاصره ریورران به تازگی شروع شده و از فصل سوم به بعد در جریان نبوده است. نکته ی جالب این است که محاصره ها در وستروس طولانی هستند زیرا قلعه ها به دلیل زمستان های طولانی انبار های بزرگ دارند.

Westeros

وستروس

بخش سوم: بارانداز پادشاه



یک تایرل هیچ وقت فراموش نمی‌کند

* صحبت‌های اولنا و سرسی اشاره به صحنه ای در قسمت «سرکوب نشده، سر خم نکرده، شکسته نشده» دارد. در آن صحنه سرسی متکبرانه و با تظاهر به نوشتن یک نامه زمانی که اولنا در حال صحبت در خصوص مارجری و لوراس بود سعی می‌کرد او را به تمسخر بگیرد. حال در این قسمت اولنا بی توجه نامه می‌نویسد، در حالی که سرسی برای کمک التماس می‌کند.

* سرسی در این قسمت به اشتباهاتش اعتراف می‌کند و می‌گوید که او با زندانی کردن مارجری و قدرت دادن به گنجشگ اعظم عملاً نتیجه ای عکس انتظارش را دریافت کرده است.

بخش چهارم : در شمال، پیش به سوی جنگ



* در این قسمت برای اولین بار شاهد حضور لیانا مورمونت حاکم جدید خاندان مورمونت از جزیره خرس هستیم. اولین بار به او در فصل پنجم اشاره شد و گفته شد که خواهر زاده ده ساله جئور مورمونت Jeor Mormont است. استنیس به تمام خاندان های شمالی نامه فرستاد تا او را به عنوان پادشاه برحق بشناسند و بپذیرند ولی لیانا علی رغم کم سن بودن و نداشتن ارتش قابل توجهی نامه ای در جواب به استنیس فرستاد که متن آن بدین شرح بود: "جزیره خرس هیچ شاه دیگری به جز شاه شمال نمی شناسد که اسمش استارک است". در این قسمت مستقیما به این نامه اشاره شد.

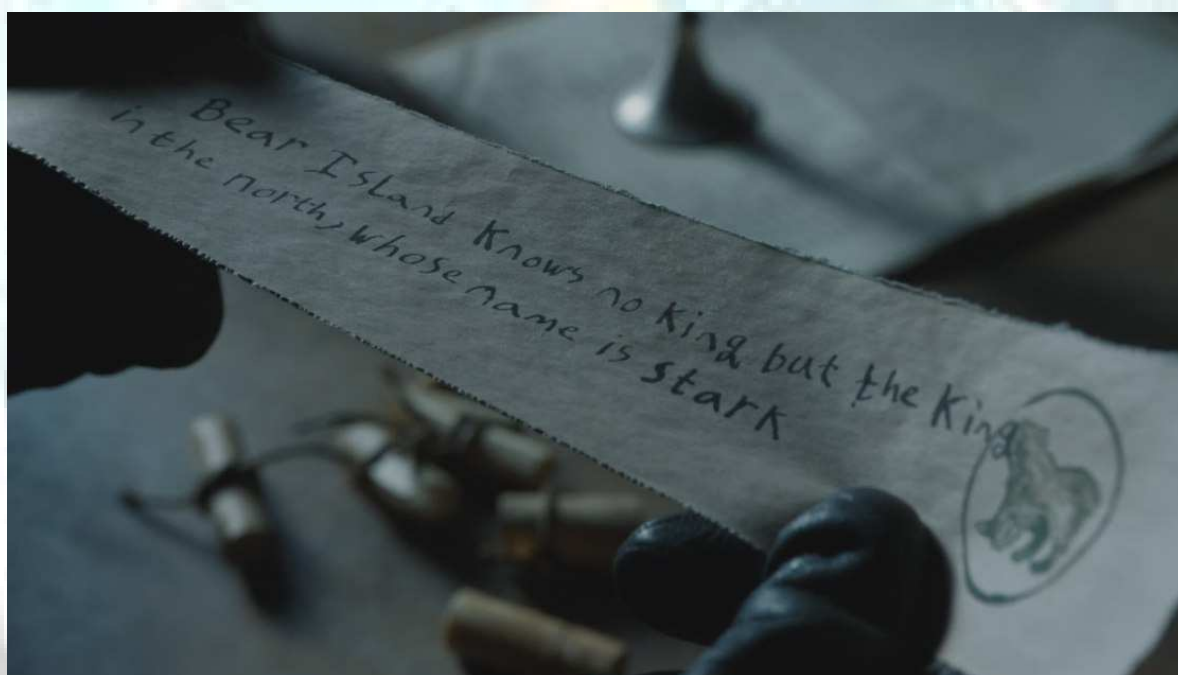
*لیانا مورمونت به افتخار لیانا استارک ، عمه ی جان و سانسا که در شورش رابرت از دنیا رفت و در این فصل در فلش بک ها دیده شد، نامگذاری شده. در این قسمت مستقیما به این موضوع و علت نامگذاری لیانا مورمونت به خاطر لیانا استارک اشاره می شود) در صورتیکه لیانا نامی مرسوم در شمال وستروس است) .

جورج آر.آر مارتین نیز در باره ی این مسئله گفته که چندین شخصیت در طی داستان معرفی می شوند که اسامی مشابه دارند و مثلا اگر رابرت براتیون تنها "رابرت" در کل قاره ی وستروس می بود بسیار غیرواقعی جلوه می کرد. زمان نوشتن کتاب مارتین در انتخاب

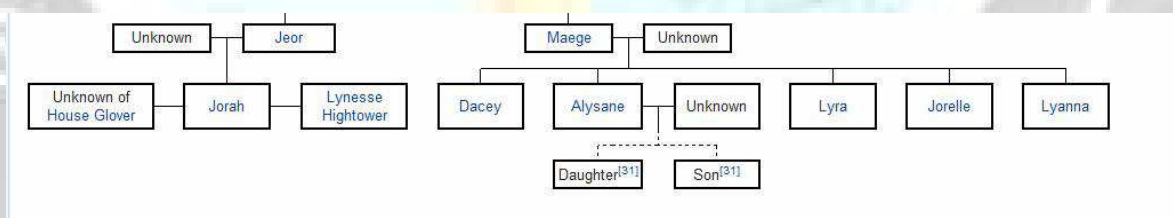
اسامی آزاد بود اما برای فیلمنامه تلویزیونی به او اجازه نداده شد که حتی یک نام مشابه را برای دو نفر از شخصیت ها انتخاب کند چرا که در سریال فرصت کافی برای توضیح ارتباط و روابط بین شخصیت ها وجود ندارند.

به عنوان مثال در این فصل کاراستارک ها توسط هارالد کاراستارک رهبری می شوند که این موضوع برخلاف کتاب است که آنها توسط برادر هارالد یعنی ادوارد کاراستارک هدایت می شوند. به نظر می رسد علت این تغییر ترس سازندگان سریال از اشتباه گرفتن وی با ادوارد استارک بوده است.

اما لیانا مورمونت یکی از معدود مواردی در سریال است که اسم مشابهی دارد. احتمالا عدم تغییر نام او برای نشان دادن وابستگی و ارادت خاندان مورمونت به خاندان استارک بوده که فرزند خودشان را به افتخار لیانا استارک نامگذاری کرده اند.



نامه لیانا مورمونت به استنیس براتیون در فصل گذشته



رابطه خانوادگی مورمونت ها و سرگذشت آنها

* در کتاب ها، مادر لیانا میگ Maege مورمونت زنده است. لیانا همچنین خواهر بزرگتری به نام دیسی Dacey مورمونت داشت که در عروسی خونین به قتل رسید. میگ، لیانا را به عنوان فرمانروای جزیره ی خرس منسوب کرد و در کتاب نیز او همان نامه ای که در سریال مشاهده شد را می فرستد. میگ در فصل اول سریال حضور داشت اما بدون هیچ توضیحی از فصل دوم به بعد از داستان حذف شد. در سریال سرنوشت او پس از عروسی خونین نامشخص بود تا در این قسمت مشخص شد که وی در زمان نامشخصی به خاطر راب استارک کشته شده است. شخصیت میگ مورمونت ظاهرا در سریال ساده تر شده و تنها یک فرزند دارد که کسی نیست جز لیانا مورمونت که در حاضر حاکم جدید خاندان مورمونت محسوب می شود. در کتاب پنج دختر میگ به ترتیب سن عبارتند از دیسی، آلیسان Alysane، لیرا Lyra، جورل Jorrelle و لیانا



62 نفری که تاریخ ساز شدند

* در این قسمت مشخص می شود که از ارتش خاندان مورمونت تنها 62 نفر باقی مانده اند اما علت آن را توضیح نمی دهند: تقریباً تمام ارتش های شمالی در قتل عام عروسی سرخ از بین رفتند. سانسو و جان مشغول گردآوری باقی مانده این ارتش ها از خاندان های شمالی هستند. ارتش باقی مانده ی بیشتر خاندان های شمالی را پسران جوان و مردان پیر تشکیل می دهند و تقریباً یک سوم تمام خاندان های شمالی الان رسماً توسط بیوه ها اداره می شوند چراکه تمام مردان خاندان هایشان در جنگ کشته شده اند. همین موضوع که لیانای ده ساله راس خاندان مورمونت است نشان می دهد که تمای بزرگسالانی که سن کافی برای رفتن به جنگ را داشته اند در جنگ کشته شده اند.

* مشخص نیست که در سریال این تعداد 62 نفر ارتش خاندان مورمونت از کجا آمده است. در کتاب ها گفته شده که همه خاندان های واقع در بخش های غربی شمال کلاً می توانند 1200 نفر ارتش فراهم کنند و همانطور که لیانا مورمونت اشاره می کند جزیره خرس منطقه پرجمعیتی نیست و ارتش آن چنان بزرگی هم پیش از شروع جنگ نیز نداشته است.



**He chose Jon to be his
successor because he knew**

ملازمی که شمشیر لردش را به ارث برده

✳در این قسمت گفته می شود که جئور مورمونت عموی لیانا، جان اسنو را ملازم شخصی خودش کرده بود تا برای فرماندهی او را آماده کند و جان را معتمد خود می دانسته. مشخص نیست که چرا جان از این فرصت استفاده نکرد و نگفت که جئور مورمونت علاوه بر انتخاب او به عنوان جانشین خود، شمشیر باستانی خاندان مورمونت لانگ کلاو که از فولاد والرینی ساخته شده را نیز به او بخشیده چون او را قابل اعتماد می پنداشته. البته شاید جان نگران بوده که مذاکره خوب پیش نرود و آن ها بخواهند شمشیر را از او پس بگیرند.

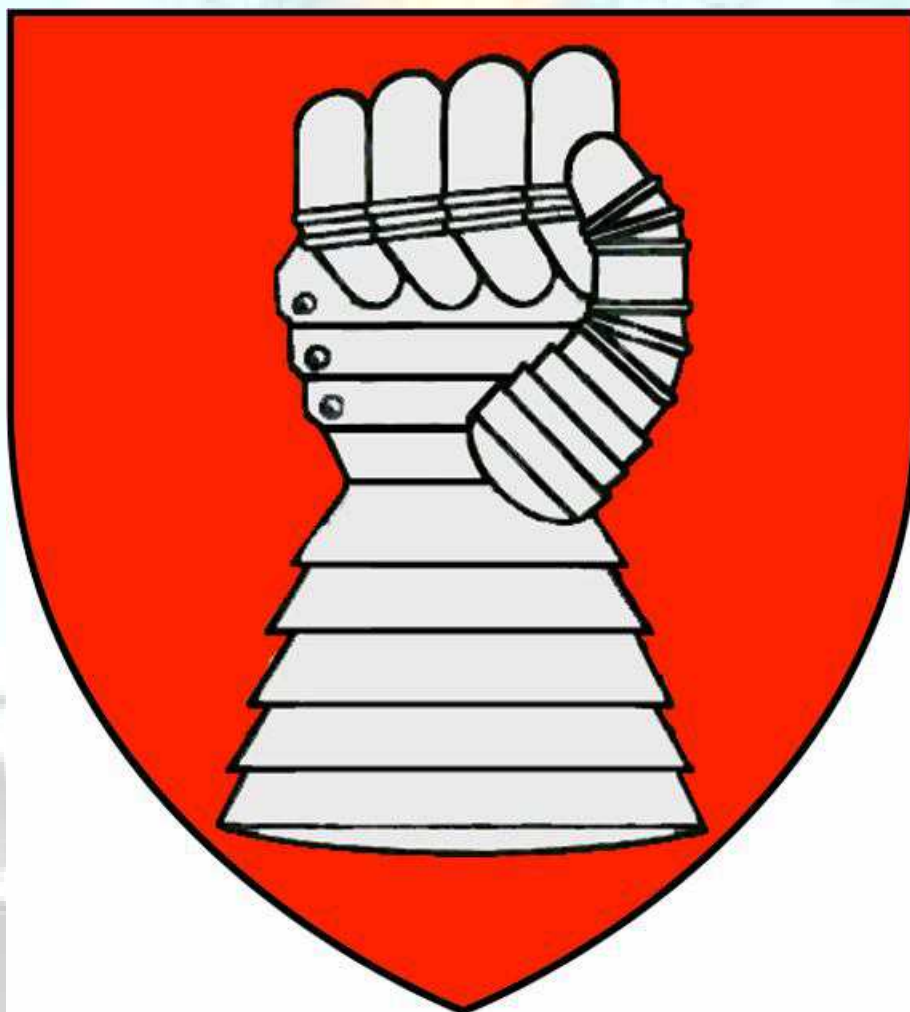


دیدار با خاندان گلاور

* رابت گلاور Robett Glover با بازی McInnery Tim، برادر کوچکتر لرد گالبارت گلاور Galbart که حضور کوتاهی در فصل یک داشت، در این قسمت معرفی می شود. McInnery Tim با ایفای نقش در فیلم های قرون وسطایی غریبه نیست و پیش از بازی در سریال بازی تاج و تخت در سیتکام بریتانیایی Blackadder در نقش Lord Percy ایفای نقش کرده است.

* رابت گلاور مستقیماً اشاره می کند که برادرش گالبارت برای راب جنگید و او را شاه شمال می دانست با این حال او به طور واضح مرگ گالبارت را تایید نمی کند. رابت می گوید که همسر و فرزندانش توسط آهن زاده ها گروگان گرفته شده بودند که در کتاب ها نیز همینطور است. (یارا آن ها را گروگان گرفته بود اما دستور داده بود تا از آن ها به خوبی مراقبت شود)

* رابت گلاور می گوید که خاندان گلاور به تازگی موفق به بازپسگیری دیپ وود موت از آهن زادگان شده است؛ که اولین بار پنج قسمت پیش به آن اشاره شد و یارا نامه ای را درباره نبرد دوم در دیپ وود موت دریافت کرد. در این قسمت رابت می گوید که آن ها برای بازپسگیری دیپ وود موت به کمک خاندان بولتون نیاز داشتند که ظاهراً مشابه چگونگی کشته شدن آهن زادگان مستقر در موت کیلین به دست بولتون ها در فصل چهارم است. در کتاب استنیس براتیون طی حرکتش به سمت ویتترفیل برای حمله به بولتون ها، دیپ وود موت را از آهن زادگان پس می گیرد.



نماد خاندان گلاور

*در این قسمت شاهد معرفی نشان های جدیدی نیز بودیم. نماد خاندان گلاور برای اولین در طول سریال در این قسمت نمایش داده شد: یک مشت زرهی نقره ای بر روی زمینه ای سرخ رنگ. نماد جدید دیگری که در این قسمت نمایش داده شد نماد خاندان مورمونت بود. البته نماد این خاندان از فصل یک نشان داده شده بود اما اتفاقی که در این قسمت شاهد آن بودیم طراحی مجدد این نماد بود: برخلاف خرس سیاهی که به حالت راه رفتن در کنار درختان سبز بر روی زمینه سفید در فصل های پیش به عنوان نماد خاندان مورمونت نمایش داده میشد در این قسمت خرس سیاهی ایستاده بر روی دوپای خود نمایش داده شد.

Westeros

غرب

بخش پنجم: شهرهای آزاد، پرواز گریجوی ها و قیام آریا استارک



*آریا استارک تا این قسمت رسماً از داستان خود در رمان جلو زده است. او در کتاب پنجم دوباره بینایی خود را به دست می آورد و نمایشی که در دو قسمت قبلی آریا در آن حضور پیدا کرد در فصلی از آریا که مارتین از کتاب ششم منتشر کرده وجود دارد. در انتهای این فصل آریا کسی را می کشد که حق کشتن او را نداشته است: راف، یکی از زیردستان کوه که در سریال به مرین ترنت تغییر داده شده بود که آریا در قسمت پایانی فصل پنجم او را می کشد. احتمالاً مرگ راف به دست آریا مردان بی چهره را از سرپیچی او خشمگین می کند و همچنین به دلیل اینکه راف یکی از دشمنان اصلی "آریا استارک" است به این نتیجه می رسند که او هیچگاه نمی تواند گذشته خود را رها کند و "هیچ کس" بشود. در قسمت پیش مردان بی چهره به خاطر سرباززنی او از کشتن هدفش تصمیم به کشتن او می گرفتند؛ چراکه دیدن نمایش به او یادآوری میکند که کیست و "آریا استارک" هرگز دست به قتل کسی که فکر می کند سزاوار مرگ نیست، نمی زند. از این نقطه به بعد ادامه خط داستانی آریا کاملاً ورای خط داستانی وی در کتاب پیش خواهد رفت.

*با توجه به جلوتر افتادن داستان آریا از کتاب، مشخص نیست که او از تقابل با ویف جان سالم به در ببرد. از دیدگاه راوی اگر به این موضوع نگاه کنیم اگر آریا این مقدار زمان را در براووس صرف کند تا در نهایت کشته شود کمی عجیب و غیرمنطقی به نظر می رسد.

‡تنها خط داستانی که هنوز در سریال به کتاب نرسیده اند خط داستانی سم و گیلی و رسیدن آنها به اولدتاون، بخش هایی از داستان فرعی گریجوی ها و بخش های کوتاه از خط داستانی بارانداز پادشاه و خلیج برده داران است. البته این قضیه شامل خط داستانی هایی که کاملاً کنار گذاشته شده اند مثل خط داستانی خاندان مارتل و گریف در شهرهای آزاد نمی شود. با این سرعت پیشروی به نظر می رسد تا انتهای فصل ششم تمام خطوط داستانی به کتاب برسند.



He says the Iron Fleet's
in Slaver's Bay.

و یک طی العرض دیگر از ناوگان آهن

‡ملوانانی که آریا در براووس استخدام می کند می گویند که ناوگان آهن گریجوی ها به خلیج برده داران رسیده است هرچند در همین قسمت ما ناوگان آهن را در ولانتیس می بینیم. احتمال دارد این سکانس از قسمتهای دیگر به این قسمت منتقل شده باشد یا خطوط داستانی مختلف در زمان های متفاوتی نشان داده می شوند یا به احتمال زیاد اخبار مربوط ناوگان آهن دچار تحریف و تغییر شده و در شایعات به اشتباه گفته می شود که آن ها به خلیج برده داران رسیده اند.



سفرهای وحشتناکی که به پایان نمیرسد !!

از ابتدایی شروع فصل جدید شاهد سفرها و طول مسیرهایی بودیم که شخصیت های سریال در یک بشکن آنها را میپيودند.

مسیر بنفش : رنگ که علامت زده شده مسیری هست که تیان گریجوی پس از جدا شدن از سانساستارک خود را به پایک رساند !! برای تخمین زدن این مسیر کافی هست به مثالی که برایتان میزنیم توجه کنید، مسیر حرکت تیان دقیقا مانند کسی است که بخواهد از جنوبی ترین بخش کانادا در طی یک سفر دریایی پس از عبور از دماغه هورن خود را به شمالی ترین نقطه شیلی برساند !! مسیری دریای که حتی با وجود کشتی های سریع این دوران بیشتر از چندین ماه طول میکشد.

مسیر آبی : در خصوص مسیر حرکت لیتل فینگر از ایری به سمت دیوار است !! در این خصوص برایتان در قسمت های قبل بارها توضیح داده ایم.

مسیر قرمز : مسیر حرکت ناوگان آهن که پس از کینگزموت از پایک فرار کرد و خود را به ولانتیس رساند !! و یکی از ناباورانه ترین سفرهای دریای تاریخ سریال، این سفر چیزی کمتر از اکتشاف کریستف کلمب نداره !! چرا که مسیر بالا یک مسیر بین قاره ای است !! برای گذر از این مسیر سال ها و حتی ماهها زمان لازم است !! جالب است بدانید برای سفر درون قاره ای برای مثال از ولانتیس تا میر حدود سه ماه با کشتی و بیشتر از هفت با به صورت زمینی زمان نیاز است !! مسیری که ناوگان آهن در این مدت کوتاه خود را به آن رساند دقیقا مانند مسیری است که فقط با ورد جادو میتوان آن را گذراند.



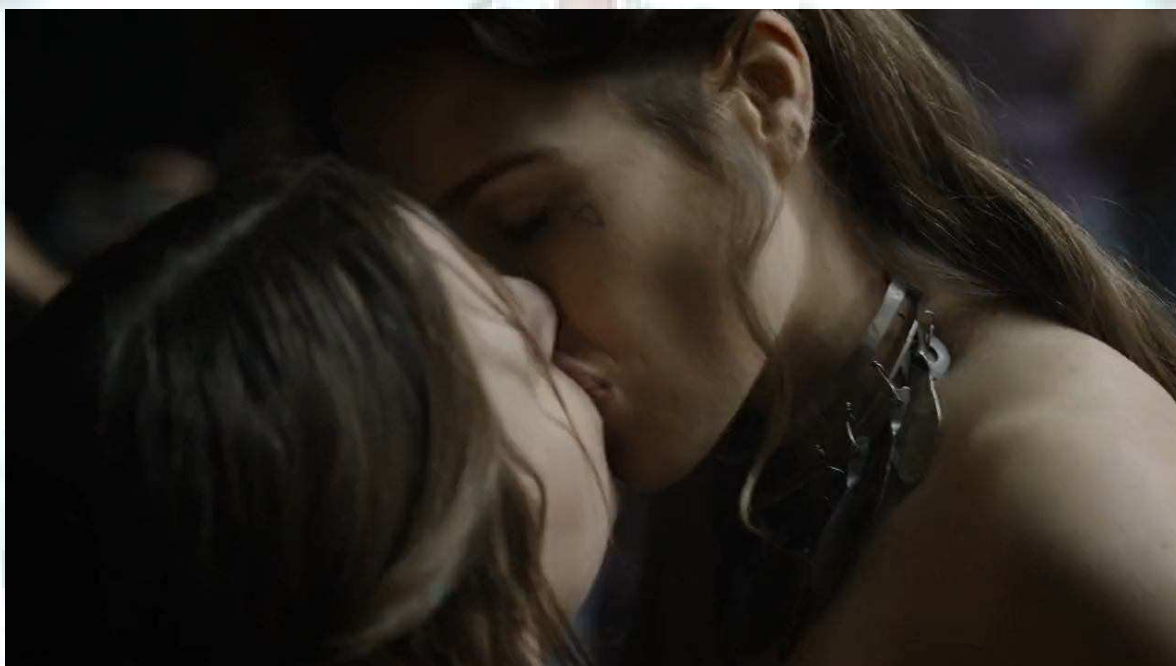
بازگشت دوباره ولانتیس

شهر آزاد ولانتیس برای دومین بار در این قسمت نمایش داده می شود. ناوگان آهن یارا و تیان گریجوی در مسیر خود به سمت شرق خلیج برده داران برای گردآوری آذوقه در ولانتیس توقف می کنند. در کتاب، عموی آن ها ویکتاریون گریجوی هدایت ناوگان آهن به سمت خلیج برده داران را برعهده دارد اما سریال این نقش را به یارا و تیان گریجوی داده است. (چرا که در کتاب خط داستانی این دو بهم می رسد)



روابط خواهر و برادری که از یاد نمی رود

*در برنامه **inside the episode** سازندگان سریال اشاره می کنند که یارا به برادر خود تیان اهمیت میدهد و او را دوست دارد و در سریال مکالمه ای برای آنها در نظر گرفته می شود (در کتاب تیان و یارا با هم برخورد مستقیمی ندارند) تا علاقه ی او را بی پرده و رک نشان دهد.



نشانه برده بودن

* اگر به چهره ی فاحشه های فاحشه خانه ای که خدمه ی گریجوی ها در ولانتیس در آن حضور دارند دقت کنید خالکوبی بردگی آن ها را مشاهده می کنید. همانطور که وریس در فصل پنجم هنگامی که با تیرون در ولانتیس حضور داشتند در این باره توضیح داد، برده های شهر همگی بر روی صورتشان خالکوبی دارن تا حرفه ای که به آن مشغولند را نشان بدهند و خالکوبی برای فاحشه ها قطره اشکی در پایین چشم چپ آنهاست.

* در این قسمت یارا در حال بوسیدن فاحشه ای در ولانتیس نشان داده می شود و در پایان صحنه او صراحتا اعلام می کند که قصد برقراری رابطه جنسی با آن فاحشه را دارد. نام یارا در کتاب آشا است اما در سریال برای جلوگیری از اشتباه او با اوشا نام او را به یارا تغییر داده اند. آشا در کتاب نشانه ای از دوجنسگرا بودن یا داشتن ارتباط با یک زن از خود نشان نمیدهد. او از نظر جنسی کاملاً فعال است و از این مسئله ابایی ندارد تا حدی که از جادوگر جنگلی یاد می گیرد که چطور برای خود چای ماه درست کند.

ویکی گیم آف ترونز درباره این مسئله به سراغ جورج آر آر مارتین رفته است:

سوال: آیا آشا گریجوی که در سریال یارا نام دارد واقعا دوجنس گراست؟ آیا در کتاب ها به این موضوع اشاره شده است؟

مارتین: من تعدادی شخصیت همجنس گرا و دوجنسگرا در کتاب دارم اما آشا جز اونها نیست. مگر اینکه چیزی از خاطرم رفته باشه...

* بنابراین مارتین تایید کرده است که آشا در کتاب ها دوجنسگرا نیست در نتیجه کارهای او در این قسمت یکی از ابداعات سازندگان سریال بوده است. از طرف دیگر مارتین گفته است که چند شخصیت زن دیگر در کتاب هایش با هم رابطه داشته اند و این موضوع در سریال نشان داده نشده است: سرسی لنیستر با یکی از ندیمه هایش در کتاب چهارم رابطه داشته است. دنریس تارگرین نیز با ایری در رمان رابطه داشته است. ممکن است نشان دادن یارا به صورت دوجنسگرا برای جبران نشان ندادن روابطی باشد که شخصیت های مذکور در رمان داشته اند.

پایان

اعضا تیم پادکست وستروس کاربرها S.I.S, SaWhar, ریگار, winterfell, Stannis Baratheon, Daemon Blackfyre,
negar27

و با تشکر ویژه از همایون صفرزاده, طلا مهیمنی و سینا معصومی

Westeros